

## تأثیر زمان و مکان در قوانین

« ۶ »

### اصل نهم

پیش از تصویب قانون لازم است مدت و مهلتی برای اعتراض بر آن از طرف افکار عمومی در نظر گرفته شود مگر در مواردی که مهلت مذکور باعث ازدیاد نفرت و تحریک مخالفت گردد که در این صورت تسریع در تصویب و انجام عمل نافع تر خواهد بود.

هرگاه اوهام و عقاید خرافی ملی شدید باشد ، بیم آن میرود که قانون گزار در کار خود گرفتار افراط و یا دچار تفریط بشود ، زیرا یا برضد اوهام ملت مبارزه میکند و بدون اینکه نیک و بدکار خود و منافع و مفاد آنرا مورد توجه و مقایسه قرار دهد درصدد از بین بردن آن برمی آید و یا اینکه تسلیم بلاشرط اوهام و افکار خرافی ملت شده و آنرا و مستمسک از برای عدم فعالیت خود قرار میدهد و در نتیجه مرض را بدون دوا میگذارد و مردم را بحال خود رها میکند .

در میان اوهام و عقاید خرافی و زبان آور ملت ممکن است آداب و رسوم نیکو و مفیدی نیز یافت شود که اوهام مضره تأثیری در آن نداشته و قانون گزار میتواند از آنها در موارد مقتضی بفتح مصالح عمومی استفاده نماید .

یعنی با احتراز از عقاید و عادات زیان بخش از رسوم و آداب مفید ملت بهره‌مند گردد ، چنانکه بنا بگفته « روسو » در نامه خود به مسیو « دالمبیر » « فرانسوای » اول در یکی از جنگ‌ها همین کار را کرد .

باین معنی که این پادشاه هنگامی که لشگریانش از مردم تقاضای کمک و مساعدت میکردند وی باین عنوان که چنین تقاضائی مولود ضعف و پستی و باعث سرشکستگی و ضعف است ، احساسات آنان را برانگیخت و بدینوسیله حس شرافت آنها را تحریک کرد و آنان نیز برای ابراز شجاعت و مردانگی از تقاضای خود منصرف شده و به مبارزه ادامه دادند .

لیکن عقاید و آداب فاسد هرگاه طوری باشد که برای جامعه زیان آور بوده و قانونگذار نتواند از آن بفتح اجتماع استفاده کند باید بدون تردید با آن مبارزه نماید و این درخت فساد را ریشه کن کند ، زیرا شایسته نیست قانون گزار منافع عمومی را فدای جهل و خرافات عده ای قلیل نماید و یا سعادت آینده را قربانی آسایش موقتی کند .

## تأثیر زمان و مکان در قوانین

این نکته را نباید از نظر دور داشت که اوهام و خرافات هر اندازه هم که شدید و زیاد باشد، ممکن است با حزم و احتیاط و ملاحظت بر آن غلبه یافت، مثلاً بعضی از قبایل هند حضور در دادگاه را برخلاف شئون خود می پندارند و بنظر من این موضوع در موارد احتیاج و ضروری بدون ایجاد نگرانی و ضرر قابل حل میباشد.

چه اینگونه افکار مخصوص ثروتمندان و طبقه اشراف است و در طبقات دیگر وجود ندارد و طریق حل آن برای دادگاهها این است که قضاتی از طرف محاکم مأمور شوند و پرسشها و تحقیقات لازمه را از اشخاص فوق الذکر در محل بنمایند منتها هزینه رفت و آمد را از آنان اخذ نمایند.

با مثلاً باز در هندوستان طبقه اشراف حاضر برای اداء سوگند نمیشوند در اینصورت هم الزام آنها باین امر ضرورتی ندارد و دادگاه باید گفتار آنان را بدون اداء سوگند بپذیرد زیرا مردمی که تا این حد بخود اعتماد داشته و پای بند بگفتار و اقوال خود باشد شایسته است که سخنان آنها بدون سوگند مورد اعتماد واقع شود همانگونه که بگفتار دیگران پس از اداء سوگند اعتماد میگردد و قانون گزار میتواند در صورت کشف خلاف آنها را مجازات نماید همانگونه که دیگران را نیز در صورتیکه کشف شود برخلاف حقیقت سوگند یاد کرده اند مورد مؤاخذه و کیفر قرار میدهد چنانکه در انگلستان شهادت «کاکیر»<sup>۱</sup> مانند شهادت کشیشان در بعضی موارد بدون سوگند پذیرفته میشود.

برای مسلمانان و هندیان خیلی ناگوار است که ضابطین دادگستری بعنوان بازرسی و تفتیش در حراسرای آنان داخل شوند در اینصورت آیا بهتر نیست که قانونگزار رعایت این احساسات را بنماید و برای اجرای قانون زنانی را در اینگونه موارد جهت بازرسی تعیین کند؟ تا بدینوسیله هم قانون را اجرا کرده هم افکار عمومی را رعایت کرده باشد.

زنان انگلستان از بازرسی خود در گمرک نفرت داشته و از آن گریزان میباشند احساسات آنها از این حیث رعایت شده و معمولاً عمل بازرسی در باره آنها انجام نمیشود و زنان آزادانه بفرانسه مسافرت نمود و اجناس ممنوع الورد باخود حمل میکنند و بدون معارض از بندر «دور» عبور مینمایند.<sup>۲</sup>

حالا در اینصورت امر دایر است بین اینکه یا طبق معمول از عمل خلاف آنها چشم پوشی کنیم و یا آنکه با بازرسی تفتیش احساسات آنان را جریحه دار سازیم و بهترین راه در اینگونه موارد همان است که زنان را برای بازرسی انتخاب نمائیم که هم رعایت مقررات و مصالح عمومی شده باشد و هم اینکه با احساسات آنها خللی وارد نشود.

(۱) نام یکی از فرقه های دینی است که در امریکا نیز پیروانی دارد و از جمله دستورات مذهبی آنان نهی از قسم خوردن است هر چند که راست باشد.

(۲) بندری است از بنادر انگلستان که در ساحل دریای مانس روبروی کشور فرانسه واقع شده است.

## تأثیر زمان و مکان در قوانین

بعضی از قبایل هند معتقدند « براهمه » بانان الهام کرده هر چه را که یافتند سرقت کنند و هر که را که دیدند بقتل برسانند حالا آیا در اینگونه موارد قانون گزار باید برای رعایت احساسات و اعتقاد چنین مردمی را بنماید و آنرا اجازه دهد؟ هرگز!

زیرا اگر مقصود براهمه از این دستور این باشد که پیروان آنها از این راه اعاشه نمایند مسلماً این نظر را داشته که این اعمال باید به نتیجه برسد و در اینصورت بدیهی است که نظام اجتماع مختل و آسایش عمومی مورد مخاطره قرار خواهد گرفت.

بطوریکه همه میدانیم این جنایتکاران را پیشوائی بود ملقت به « شیخ کوه » که همه آنان از وی پیروی کورکورانه داشته و او اسر او را بدون چون و چرا اجرا میکردند در ارتکاب قتل و جنایت از یکدیگر سبقت میگرفتند تا خلوص نیت و ارادت خویش را ثابت کنند و اعمال وحشیانه آنها مردم را مضطرب و در تمام نواحی کشور نگرانی فوق العاده ای ایجاد شده بود بطوریکه پادشاهان مجاور از سقوط کشور خود بیمناک بودند تا سر انجام یکی از پادشاهان « تاتار » چاره ای اندیشید و پس از اطلاع از محل آنها با قوای کافی حمله برد و آنها را تارومار کرد و همه را مقتول ساخت.

ولی مسیو « هاستتکس » برای سرکوبی آنها راه ملایمتری پیشنهاد کرده بود وی معتقد بود نخست آنها را باید محاصره و مغلوب نمود و سپس در تحت رقیت و بندگی در آورد و بدینوسیله جلو شرارت و جنایات آنها را گرفت وی معتقد بود که رقیت و بندگی و اسارت در کشورهایی که از آزادی سیاسی محروم میباشند برای اهالی آن چندان شاق و طاقت فرسا نیست و بدینوسیله میتوان همه آنان را رام و تحت اطاعت در آورد و هم جلو شرارت و فسادت آنها را گرفت و بتدریج آنانرا بصلاح رهبری کرد.

« منتسکیو » در فصل چهاردهم از کتاب ۱۹ روح القوانین میگوید:

« اگر قانون گزار بخواهد آداب و رسوم ملتی را تغییر بدهد نباید از طریق وضع قانون آنرا تغییر دهد، بلکه بهتر آن است که این منظور را بوسایل دیگری انجام دهد زیرا قانون اساس و شالوده خصوصی است که قانون گزار میگذارد در صورتیکه آداب و رسوم اساس و سازمان عمومی است که از طرم عموم افراد ملت گذاشته میشود. »

قاعده ای که منتسکیو بیان کرده از جهاتی صحیح است، لیکن سببی که برای آن ذکر کرده مسلم بنظر نمیرسد زیرا هر امری که منع قانونی نداشته باشد لازم آید که بوسیله قانون ممنوع گردد ممکن است یکی از اموری باشد که همه افراد ملت بر آن عمل نموده و آنرا جایز شمارند برای اینکه هم به جنبه درستی قاعده مذکوره پی ببریم وهم بسبب آن بهتر واقف شویم لازم است مثالی که منتسکیو در این موضوع ذکر کرده مورد بحث قرار دهیم زیرا بدون در نظر گرفتن مثال های وی خواننده نمیتواند مقصود و منظور او را درک نماید.

بطرکبیر قانونی وضع کرد دایر بر اینکه مردم ریش های بلند خود را مانند اروپائیان بتراشند و لباس خود را مانند آنان کوتاه نمایند پاسبانان در کوچه و خیابان

## تأثیر زمان و مکان در قوانین

و در مدخل شهر مراقب بودند که کسی برخلاف این قانون رفتار نکند و در صورت مخالفت خودشان بزور اینکار را انجام میدادند و لباسهای مردم را تا زانو کوتاه میکردند.

منتسکیو میگوید این عمل پطرکبیر ظالمانه بوده است و لزومی نداشته که وی برای انجام این منظور متوسل بقانون و وضع مجازات گردد بلکه ممکن بود این تغییرات را نخست درباره خود عمل کند و با ارائه سرمشق و نمونه مردم خود بخود منظور او را انجام میدادند.

ولی باید دید منظور پطرکبیر از اینکار چه بوده است؟ آیا مقصود او از این عمل ارضاء شهوت شخصی و هوسرانی تنها از این نظر بود که شخصاً از لباس قدیمی ملت خود نفرت داشته و از لباس اروپائیان خوشش میآمده است؟

و با اینکه منظورش ترقی و تهذیب ارواح و تعالی افکار و تمدن ملت بود و بنظر او بهترین راهی بود که ملت او را مثل اروپائیان بسعادت و نیکبختی میرساند است؟ بنابراین اگر منظور او را میل شخصی و هوسرانی بدانیم البته وضع قانون مذکور ظالمانه و وی مردی ستمگر و خودخواه بوده است، لیکن چنانچه غرض او را شق دوم فرض کنیم که این بحقیقت نزدیکتر و نسبت بان مرد بزرگ شایسته تر است و خود منتسکیو بان معترف میباشد در اینصورت راهی که او انتخاب کرده صحیح بوده و میتوانسته است من غیر مستقیم از این طریق با کلیه آداب و رسوم زیان آوری که مانع تمدن و ترقی ملت روس بوده مبارزه کند و آنها را اصلاح نماید و ملت خود را بصورت ملل اروپائی درآورد.

بنظر او برای اینکه میان دونفر سنخیت اخلاقی و تشابه فکری ایجاد شود قبل از تشابه اخلاقی و فکری تشابه در لباس و سنخیت ظاهری لازم است مثل اینکه با این عمل خواسته بملت خود بگوید:

شما اروپائی شده اید بنابراین باید مانند آنها فکر کنید مثل آنها باشید با زنان و اتباع خود همانگونه رفتار کنید که آنان با زنان و اتباع خویش رفتار میکنند از خودپرستی و شربخواری های مفرط که هر اروپائی تربیت شده و مهنذب از آن عاری و بری است دست بکشید و شرم نمائید روح خود را تربیت کنید احساسات و عواطف خود را تلطیف سازید در آداب و رسوم فنون و تجملات و عیش و نوش مثل آنها رفتار نمائید.

من گمان نمیکنم برای تغییر اخلاق مردم روسیه، جز تغییر لباس راهد یگری برای آن امپراطور وجود داشته است چنانکه بنظر من اگر خود او تنها لباس اروپائی میپوشید مردم آزاد، پیروی نمیکردند و مظاهر تمدن اروپائیان در بین آنها رواج نمی یافت زیرا اگر چنین چیزی ممکن بود وی متوسل بقانون و وضع مجازات نمیکردید، بلکه در اینصورت لازم بود باین نکته توجه نماید که آیا منافع و فوایدی که از تغییر لباس حاصل می شود ارزش آن خشونت قانونی را دارد یا نه؟ و اگر ارزش نداشت بدون تردید مجازات بی مورد و ظالمانه بوده است، این نکته دقیق همواره باید مورد نظر

## تأثیر زمان و مکان در قوانین

قانون گزار باشد و طریقی است که برای پی بردن به هدف و منظور نهائی قانون و توافق با اصل منفعت لازم و ضروری است هرچند که راهی دقیق و طولانی است ، لیکن هر کسی که آنرا انتخاب کند از خطا و گمراهی مصون خواهد ماند .

کسی که در این موضوعات مهم و دقیق وارد بحث می شود باید نخست نتایج بحث و تحقیق خود را بصورت شك و تردید بیان کند و حتی الامکان از اظهار نظر قطعی اجتناب نماید و لازم است تمام اطراف و جوانب موضوع و همچنین کلیه امور و اعتباراتی را که ممکن است تحقق وصحت موضوع را مشکوک نماید ، مورد توجه قرار دهد و حقیقت امر را بطور صریح بیان کند .

بنابر این خوانندگان باید از کسانی که گفته ها و عقاید خود را با الفاظ و عبارات گوناگون بطور قاطع بیان میکنند و بدین وسایل میخواهند گفتار خود را بدون چون و چرا بدیگران بقبولانند و اعتماد آنها را بخود جلب نمایند ، بپرهیز کنند و نخستین موضوع مهمی که باید مورد توجه زمامداران و قانون گزاران قرار گیرد این نکته است که فن قانون گذاری علم حساب اجتماعی است و با تصور و خیال نمی توان در این راه قدم گذاشت .

در سال ۱۷۴۵ قانونی از مجلس انگلستان گذشت سببی براینکه اهالی کوهستانی « اقیانوسیه » لباس ملی خود را ترك گویند و بلباس اروپائی در آیند . وضع این قانون علت سیاسی داشت و آن این بود که مردم شهر نشین آنجا مدتها بود که لباس اروپائی پوشیده بودند و مردم کوه نشین این عمل را دلیل بر بیگانه پرستی و پستی آنها مینماداشتند و در اثر آن بین آنها اختلاف و مشاجرات شدیدی رویداده بود و منظور از وضع قانون مذکور خاتمه دادن بان مناقشات و مبارزات بوده است ، لیکن در عمل نتیجه معکوس از آن گرفته شد و پس از انتشار آن قانون پیشوای اهالی لباس ملی و وطنی خود را برتن نمود و پیروان خویش را برای مبارزه علیه اجرای قانون مذکور دعوت کرد و آنان هم در زیر پرچم مبارزه وی چون حزب واحدی جمع شدند و علیه حکومت طغیان نموده و آتش شورش و انقلاب را روشن کردند و آن قانون بجای اینکه جلو احساسات ملی آنها را بگیرد بر شدت تعصب آنان افزوده و علاقه آنها را بلباس ملی خود زیادتر نمود و حکومت وقت هم در راه اجرای قانون پافشاری میکرد و مدت مدید این جریان ادامه داشت تا بالاخره برای دولت انگلستان روشن و مسلم شد که قانون مزبور مفید نبود و سرانجام آنرا لغو نمود و در اثر لغو آن شورشیان و یایغان بحکومت اعتماد حاصل نمودند و همان مردمی که نزدیک بود اصول سلطه و قدرت دولت را واژگون سازند یکی از بهترین و مخلص ترین مدافع حکومت انگلستان شدند .

از اصول و قواعدی که در این فصل بیان شد می توانیم نتیجه بگیریم که : هر وقت قانون گزار بخواهد تغییرات مهمی در میان ملت ایجاد کند ، لازم است که از عجله و شتاب اجتناب نموده و با قدم های آهسته پیش رود و دقت کند که نتیجه عمل وی موجب خشم و طغیان مردم و باعث تحریک احساسات عمومی نگردد و تا حد امکان کوشش نماید ، مخالفین نومید و مأیوس پیدانکند و تمام مردم و دسته جات مختلف را

### تأثیر زمان و مکان در قوانین

مورد ملاحظت و پناه قانونی قرار دهد و بقیاید همه آنان احترام بگذارد. مقصود خود را با رضایت عمومی توأم سازد و منافع اجتماعی را نصب‌العین خود قرار دهد و زبان‌زیان دیدگان را بحدکمال جبران نماید .

قانون‌گزار باید خود را با زمان متحد سازد و با آن قدم بقدم پیش رود و تغییرات مورد نظر را با توجه بمقتضیات آن انجام دهد زیرا زمان بزرگترین مساعد برای هرگونه تغییر و تحولی است .

قانون‌گزار باید مانند یک دانشمند شیمی که عناصر و مواد مختلف و متضاد را بهم جمع نموده و میان آنها تناسب و توافق ایجاد می‌نماید ، جمیع مشکلات را از میان بردارد و منافع مختلف را بیکدیگر تلفیق دهد .

وقتی قدرت و سلطه در دست کسی قرار گرفت نباید یکباره همه آن را بکار بندد و پرده را یک مرتبه بالا زند ، بلکه شایسته است آن قوی را بتدریج مورد استفاده و استعمال قرار دهد ، زیرا این بصلاح و نجات نزدیکتر خواهد بود و وقتی کسی دید قدرتی بوجود آمده که مبارزه با آن جز جریحه‌دار کردن احساسات عمومی نتیجه‌ای ندارد ، سعی خواهد کرد که با قدرت هم آهنگ گردد و نفع خود را در این خواهد دید که بآن قدرت منضم شود .



شوریه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

